

مهرنامه

Mehr Brief

دلو ۱۳۹۹

شماره: ۰۵

در این شماره

خلاصه

گروه طالبان برای پیشبرد جنگ در سطح داخلی، نیازمند جنگجویهای دیگر گروههای تروریستی منطقه‌ای می‌باشند. این نیازمندی از زمان ظهور گروه طالبان وجود داشته است. ارتباطات گروه طالبان با دیگر گروههای تروریستی منطقه‌ای ابعاد ایدئولوژیک، سازمانی، تاکتیکی و اقتصادی دارد.

منظومه‌ی فکری طالبان تنها احیای امارت اسلامی در جغرافیای افغانستان نیست، بلکه ایدئولوژی این گروه نشان می‌دهد که آنها فراتر از افغانستان فکر می‌کنند و ممکن است در صورت قدرت‌گیری طالبان، جنگجویان خارجی منطقه‌ای با الهام‌گیری و الگوپذیری از گروه طالبان، اوضاع را در مناطق آسیای مرکزی و منطقه‌ی شامات دست‌خوش تهدید کنند. به طور مثال، آزادسازی قدس یکی از برنامه‌های اصلی گروه طالبان می‌باشد.

طالبان از لحاظ لوجیستیکی منطقه‌ای امن را برای دیگر جنگجویان گروههای تروریستی ایجاد کرده‌اند. این جنگجویهای خارجی علاوه بر اینکه آموزش‌های نظامی را فرا می‌گیرند، شورش‌گری و عملیات بر ضد رژیم مستقر را فرا خواهند گرفت و سپس این تجارب را در کشورهای خود عملیاتی می‌کنند. ناآرامی‌ها در عراق بعد از ۲۰۰۳ و سوریه بعد از بهار عربی نشان می‌دهد که اکثریت جنگجویان در کمپ‌های گروه طالبان و القاعده در قندهار و هرات آموزش‌های نظامی و تروریستی دیده بودند.

ایده‌ی منازعه‌ی طالبان با داعش شاخه‌ی خراسان ایدئولوژی فکری گروه طالبان، امری دور و غیرقابل پیشبینی است. جهان‌بینی طالبانی این اجازه را می‌دهد که با داعش و شاخه‌ی خراسان این گروه همکاری و ارتباطات سازمانی برقرار کنند و بر اساس اسناد مجله‌ی الصمود، بیعت میان گروه طالبان و داعش عراق و سوریه شکل گرفته است.

روایت طالبان... تقیه یا هویت دوگانه؟

نوشته هدی الصالح، پژوهشگر حوزه افراط‌گرایی




ترجمه حسین احسانی، پژوهشگر مسائل خاورمیانه



تماس با ما

 @AISS_Afg

 /AISSAfghanistan

 contact@aiss.af

 www.aiss.af

روایت طالبان تقیه یا هویت دوگانه؟

بررسی مجله‌ی ماهانه‌ی الصمود طالبان که شرح دهنده‌ی افکار، مواضع، عقاید سیاسی، فکری و شرعی‌شان می‌باشد

اشاره:

گروه طالبان، از زمان تاسیس تا سقوطش به عنوان یک پدیده‌ی عجیب در ساحت افغانستان مدنظر است. گروهی که یک باره افغانستان را از پیشرفت به دوران قبل از قرون وسطی برد و منطقه‌ی وسیعی از افغانستان را تحت اشغال خود درآورد. در اینکه ماهیت طالبان چیست و عوامل شکل‌گیری طالبان چه بود، بر همه‌گان واضح است. اما به نسبت ظهور و حلول طالبان، به روایت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای طالبان کمتر پرداخته شده است. یکی از کتاب‌هایی که در مورد روایت‌های تبلیغاتی در سطح درون افغانستان پرداخته شده است، کتاب روایت‌های طالبان اثر توماس جانسون می‌باشد که توسط فردوس کاووش ترجمه و در انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان به نشر رسید. این کتاب تنها روایت‌های تبلیغاتی طالبان و ابزارهای تبلیغاتی برای پیاده‌سازی این تبلیغات را در سطح افغانستان به بررسی می‌گیرد. اما در مورد چگونگی همه‌گیر شدن روایت‌های طالبان و امارت اسلامی برای جنگجویان خارجی و گروه‌های تروریست خارجی نیز پرداخته نشده است. مترجم در مقاله‌ای تحت نام «روابط طالبان و القاعده؛ تغییر از رویکرد ایدئولوژیک به رویکرد تاکتیکی و اقتصادی» که به تاریخ ۲۰ جوزای ۱۳۹۹ در روزنامه‌ی اطلاعات روز به نشر رسید، برای اولین بار، جزئیات همیاری گروه طالبان از زمان تاسیس تا شرایط فعلی را توضیح داده و تبیین کرده بود. این همیاری نیز در غیبت یک روایت تبلیغی نیز امکان‌پذیر نیست. طالبان نیز با گروه‌های تروریستی رابطه‌ی تنگاتنگ دارد اما چه نوع تبلیغاتی می‌تواند این گروه را با سایر گروه‌ها در یک «اتحاد نامقدس» جمع کند و موجب فعالیت‌های فرامنطقه‌ای‌شان گردد؟

هدی الصالح، روزنامه‌نگار مطرح اهل عربستان سعودی نیز در یک بررسی موشکافانه در باب همیاری گروه‌های تروریستی خارجی به طالبان، معتقد است که ارتباطات طالبان با گروه‌های تروریستی خارجی، یک پدیده‌ی لاینفک است و این ارتباط برای این گروه‌ها واجب و ضروری است. تبلیغات و عملیات نیز برای این دو گروه لازم و ملزوم همدیگر هستند. مجله‌ی الصمود طالبان نیز فرصتی را برای دیگر گروه‌های جهادگرای رادیکال خارجی فراهم می‌سازد تا به گروه طالبان ببینند. مجله‌ی الصمود نیز مجله‌ای است که برای پژوهشگران و تحلیل‌گران بنیادگرایی در افغانستان، یک مجله‌ی نوین می‌باشد. این مجله و مقالات منتشر شده‌ی آن به وضوح ثابت می‌سازد که اهداف طالبان منحصر در خاک افغانستان نمی‌شود و طالبان ایده‌های فرامنطقه‌ای و چه بسا جهانی را در سر می‌پرورانند. هدف طالبان تنها برپایی و اقامه‌ی امارت اسلامی در افغانستان نیست بلکه اهداف دیگری به مانند آزادسازی قدس و اجرای عملیات‌ها در خاک اروپا برای گسترش قلمرو امارت اسلامی تا اندلس که یادآور حضور نیروهای مسلمان در تاریخ کلاسیک اسلام است را در سر دارند. این مجله اثبات می‌کند که گروه طالبان با جهادگرایان جهانی از کشورهای مختلف ارتباطات عمیق و سازمانی دارد و به آنها جهت می‌دهد. حتی فراتر از این، ایده‌ی منازعه‌ی طالبان با داعش شاخه‌ی خراسان در این مجله تبلیغاتی، امری دور و غیرقابل پیشبینی است و جهان‌بینی طالبانی این اجازه را می‌دهد که با داعش و شاخه‌ی خراسان این گروه همکاری و ارتباطات سازمانی برقرار کنند. هدی الصالح مجموعه‌ی بررسی‌های خود را در مجله‌ی العربیه منتشر کرده است و مترجم با توجه به نو و جدید بودن این اثر، تصمیم به ترجمه‌ی آن گرفت. در این ترجمه کوشش برآن بوده است که دخل و تصرفی به جز معدود جملات، نشود و تنها با کروش توضیحات اضافی مترجم بیان شده است. امید است که این بررسی بتواند فهم دقیق‌تر و عمیق‌تری از عناصر تبلیغاتی گروه طالبان ارائه دهد و برای پژوهشگران در این عرصه مفید و موثر باشد که اگر چنین باشد، برای من کافی است.



جلد مجله‌ی الصمود

شاید همیاری مجله‌ی عربی الصمود که از طریق مرکز رسانه‌ای امارت اسلامی طالبان منتشر می‌شود و همچنین در بیش از یک مورد همکاری قاضی شرعی سازمان القاعده در سوریه عبدالله المحسینی با گروه طالبان، برای بعضی از علاقمندان و ناظران مسائل افغانستان باعث تعجب باشد و امری تازه قلمداد شود. آن هم در زمانی که این گروه متعهد به شروط توافق‌نامه صلح با ایالات متحده مبنی بر عدم اجازه به گروه‌های بنیادگرا و تروریست برای به کارگیری خاک افغانستان در جهت سازمان‌دهی عملیات‌های تهاجمی بر ضد منافع ایالات متحده و متحدانش شده‌اند. با این حال مجله‌ی ماهانه‌ی وابسته به گروه طالبان که افکار، مواضع، عقاید سیاسی و فکری و شرعی این گروه را از سال ۲۰۰۶ تا اکنون تشریح می‌کند، حکایت از امر دیگری دارد. این مجله به خوبی میراث و تاریخ مشترکی که باعث اتحاد طالبان و القاعده و دیگر گروه‌های انقلابی اسلامی در قندهار و خارج از آن شد را نشان می‌دهد. بر علاوه این مجله در مورد اهداف و آرزوهای سیاسی این گروه‌ها می‌پردازد که همین جاه طلبی‌ها مانع از عدم قطع ارتباط میان گروه طالبان و القاعده و دیگر گروه‌های مسلح تروریست می‌شود.

اولین شماره‌ی مجله‌ی الصمود در آغاز سال ۲۰۰۶ با بیانیه‌ی رهبر سابق و مؤسس گروه طالبان آغاز می‌شود که در این سخنرانی در رثای ابومصعب الزرقاوی چنین می‌نگارد: «ما برادر مجاهد ابومصعب الزرقاوی را به عنوان قهرمانی از قهرمانان امت اسلامی و همچنین مبارز مبارزان امارت اسلامی قلمداد می‌کنیم»

مقالات متعدد دیگری در این مجله در مورد رهبران ارشد القاعده به شمول ابویحیی اللیبی با عنوان «حقیقت پشت میله‌های زندان» نگاشته شد. این مقاله نیز در اشاره به دوره‌ای دارد که او و دیگر افراد القاعده به شمول یوسف العیبری نظریه‌پرداز دینی القاعده در سال ۱۳۸۴ در زندان بگرام زندانی بوده‌اند.

مجله‌ی الصمود چنان آغشته به افکار بنیادگرایی و تروریسم است که تمامی نویسندگان سلفی مشرب جهادگرا و رهبران گروه‌های بنیادگرایی مسلح در سوریه، لیبی، عراق، سومالی و شخصیت‌های بنیادگرایی مصری، جزائری، موریتانی و خلیجی به مانند نظریه پرداز شهیر ابوصیر الطرطوسی از سوریه، سعد الفقیه از عربستان سعودی، حاکم المطیری از کویت و ابومحمد المقدسی از اردن [که خود نیز از نظریه‌پردازان مهم القاعده بوده است] را نیز به خود جلب می‌کند.

شایان ذکر است که هیئت مدیریت این مجله و مجلس شورای رهبری گروه طالبان، سعد الله البلوچی را به عنوان مدیر تحریریه‌ی مجله انتخاب می‌کنند و تا سال ۲۰۱۶ نیز او این مسئولیت را پیش می‌برده است. البلوچی یکی از جنگجویان گروه طالبان و همچنین مترجم جنگجویان عرب‌های افغان (عرب‌هایی که برای مبارزه با شوروی به افغانستان آمده بودند) در قندهار بوده است و او را به عنوان سرباز با سابقه در مجله می‌شناختند.

برای فهم ماهیت گروه طالبان و تغییر رویکرد آن از گروهی قومی-ملی به گروه امتی-انقلابی، وبسایت العربیه، شماره‌های مجله‌ی الصمود از اولین شماره‌های منتشر شده تا شماره‌های امروزی را مورد بررسی قرار داد. تلاش‌های بسیاری کردیم تا از طریق ایمیل با اداره‌ی این مجله به تماس شویم ولی متأسفانه آنها هیچ جوابی به درخواست‌های ما حتی تا زمان نشر این تحقیق ندادند. همین مسئله باعث شگفتی ما را در مورد هویت اصلی گروه طالبان و پروژه‌ی مجله‌ی الصمود برانگیخت.



سعد الله البلوچی

مجله‌ی الصومود

مدیر مسئول این مجله حمید الله امین و سردبیرش احمد مختار از زمان تاسیس مجله‌ی الصومود می‌باشد. مختار خود نیز در میان اعضای تیم مذاکره کننده‌ی گروه طالبان در دوحه‌ی قطر حضور دارد. هیئت تحریریه‌ی این مجله عبارتند از: اکرام میوندی، صلاح الدین مومند و عرفان بلخی. هر سه شخص نیز از جمله نویسندگان اصلی در این مجله از زمان تاسیسش می‌باشند. البته که این نام‌ها، نام‌های مستعار سازمانی است تا هویت اصلی‌شان مخفی بماند.

این اشخاص از سال ۲۰۰۶ به عنوان هیئت تحریریه‌ی اصلی مشغول نگارش مقالات بودند و بعضی تغییرات در بخش‌های فنی و تکنیکی انجام شد. در سال ۲۰۱۳ اعلام شد که بعضی از اشخاص جدید به هیئت تحریریه‌ی مجله اضافه شدند و مدیر مسئول جدید مجله به نام فدا قندهاری معرفی شده‌اند. در سال ۲۰۱۶ تغییراتی در ساختار این مجله به میان آمد و احمد شاه حلیم که قبلاً سردبیر این مجله بود نیز ارتقا یافت و سعد الله البلوچی یکی از نویسندگان عمده‌ی این مجله به عنوان سردبیر و جهاد ریان به مثابه‌ی مسئول تخنیکی این مجله تعیین شدند. امیرخان متقی سرپرست نظارت بر مجله‌ی الصومود به زبان عربی و دیگر نشرات گروه طالبان به زبان‌های مختلف بود. شایان ذکر است که امیرخان متقی در لیست افراد تروریست سازمان ملل متحد قرار داشت.

امیرخان متقی مناصب متعددی داشته است از جمله: وزیر معارف گروه طالبان، نماینده‌ی گروه طالبان در مذاکرات با سازمان ملل متحد قبل از سرنگونی رژیم طالبان، وزیر اطلاعات و فرهنگ و عضو مجلس منطقه‌ای و مجلس اعلی‌ گروه طالبان تا سال ۲۰۰۷ و اکنون نیز رئیس دفتر سیاسی گروه طالبان در پایتخت قطر و عضو گروه مذاکره کننده گروه طالبان می‌باشد. باید توجه داشت که تا زمان مرگ ملا عمر، تمامی مطالبی که در مجله به نشر می‌رسید، باید با تایید قبلی رهبر گروه طالبان در آن زمان یعنی ملا عمر می‌رسید.

این مجله نیز به عنوان بنگاه تبلیغاتی برای هواداران مبارز گروه طالبان تلقی می‌شود و شامل انتشار بیانات رسمی رهبر گروه و بیانات مربوط به عملیات‌های نظامی، مراکز تعلیمی، عکس‌های عملیات‌ها و انتشار مصاحبه‌های رهبران ارشد و جنگجویان گروه طالبان و عناصر شبکه‌ی القاعده و همچنین مقالاتی که رویکردهای فکری، سیاسی و شرعی گروه طالبان را بیان می‌کند؛ می‌باشد.

هدف اصلی مجله با توجه به صحبت‌های وزیر اطلاعات و فرهنگ این گروه و همچنین موسس بخش مطبوعاتی گروه طالبان بعد از سرنگونی رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ و قدرت الله جمیل مسئول نظامی این گروه در ولایت ننگرهار چیزی جز «پیشبرد جنگ تبلیغاتی و رسانه‌ای میان کفر و اسلام» نبود. همانطوری که احمد مختار در گفتگویی که در شماره‌ی ۲۳ این مجله در سال ۲۰۰۸ منتشر شد، به این مسئله اذعان کرده بود. یکی از اهداف اساسی دیگر، جلوگیری از «مسخ جهاد و خارج ساختن فکر جهادی و فدایی از اذهان مسلمین می‌باشد. به همین دلیل است که آنها [مخالفان جهاد] جهاد را یک پدیده‌ی تروریستی می‌نامند و این فریضه را با عناوین شیطانی خطاب قرار می‌دهند» هدف

دیگر «دفاع از حقیقت و دفاع از مظلومین و قربانیان و یاری به مردم^۱ افغانستان در تمامی سطوح و عدم غفلت از دیگر مسلمانانی که علیه اشغال و دشمنان ظالم در حال مبارزه هستند، به مانند مردم فلسطین و سوریه و برما و دیگر مسلمانان.»^۲

سردبیر مجله سعدالله البلوچی

سعد الله البلوچی یکی از جنگجویان گروه طالبان و مترجم برای جنگجویان مهاجر عرب و سردبیر مجله‌ی الصومود است. البلوچی دو کتاب تالیف کرده است که یکی از آنها با عنوان «فریاد عظمت» است که در سال ۱۳۹۶ نگاشته است. این کتاب نیز مجموعه‌ی مقالات سابق البلوچی است که قبلاً در مجله‌ی الصومود منتشر شده بود. این کتاب به درخواست ابوالولید المصری با نام مستعار مصطفی حامد که داماد سیف العدل بوده است و فعلاً مقیم تهران است، نگاشته شد. مصطفی حامد نیز یکی از دوستان نزدیک اسامه بن لادن و از نزدیکان سراج الدین حقانی است. او زندگی‌نامه‌ی خود را از طریق مجله‌ی الصومود منتشر کرد و بر علاوه، ابوالولید المصری سالها، یکی از نویسندگان دائمی مجله‌ی الصومود بوده است.

نکته‌ی حائز اهمیت این است که ابوالولید در مقدمه‌ی کتاب خود اشاره می‌کند که از لیبیک گفتن به دعوت البلوچی در مورد عدم پیوستنش به او در افغانستان برای مدیریت مجله عذرخواهی می‌کند و می‌گوید: «مرا برای تاخیرم که مشغول امور زندگی‌ام شدم، ببخشید. البلوچی در افغانستان به مانند یک مبارزی که در یک دست شمشیر دارد و در یک دست دیگر قلم، ایستاده است.»

اما در مورد کتاب دوم سعدالله البلوچی که با عنوان «از ستارگان اسلام در کشور افغانستان» در ماه ثور ۱۳۹۵ به نشر رسید. این کتاب نیز بررسی در مورد مقالات قبلی او در ستون ماهانه‌ی مجله‌ی الصومود با نام «قافله‌ی شهدا» بوده است. این کتاب به بررسی شخصیت افراد مختلفی که در عملیات مختلف نظامی و انتحاری اشتراک داشتند پرداخته شده است. از جمله‌ی این افراد می‌توانیم به بعضی از عناصر شبکه‌ی القاعده متشکل از عرب‌های خلیج اشاره کنیم.

از میان این اشخاص، می‌توانیم به داستان ابوعزام الملکی اشاره کنیم. کسی که داستانش در مجله‌ی القاعده با نام «پیش‌قراولان خراسان» منتشر شد و در سال ۱۳۹۰ کشته شد. همچنین داستان ابو الدجانه المکی که به صفوف شبکه‌ی القاعده در سال ۱۳۹۵ در پایگاه برافشه ملحق شد. در این کتاب اشاره شده است که: «البلوچی با مجموعه‌ای از برادران عرب به پایگاه برافشه پیوست. زمانی که فهمیدیم آنها برادران عرب ما هستند، ابه گرمی از آنها استقبال کردیم و از اینکه آنها برادران عرب‌مان هستند، شادمانی‌مان دوچندان شد.»^۳

یکی از نظریه‌پردازان سلفی جهادی به نام هانی السباعی در این کتاب مقدمه‌ای نگاشته است که در بخشی از مقدمه آمده است: «این کتاب مشتمل بر ترجمه‌ها و زندگی‌نامه‌ی مجاهدین پرهیزگاری است که در افغانستان معاصر وفات یافته و یا به شهادت رسیدند.»

البلوچی کتاب خود را با زندگی‌نامه‌ی رهبر و موسس گروه طالبان ملاعمر آغاز می‌کند و به دنبال آن، زندگی‌نامه‌ی موسس و رهبر شبکه‌ی القاعده را مورد بررسی قرار می‌دهد.

سردبیر مجله احمد مختار در مقدمه‌ای که برای کتاب البلوچی نگاشته است، در مورد ملاقاتش با رهبر شبکه‌ی القاعده اسامه بن لادن درست قبل از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر می‌پردازد. همچنین در مورد مصاحبه‌ای که میان او و اسامه بن لادن رخ داد پرداخته است و در این مجله به نشر رسیده است.

^۱ استفاده از نام مردم و نه امت، نشان دهنده‌ی این است که طالبان در اهداف خود متمرکز و دقیق نیست، در حالی که اگر طالبان ادعای امارت بر مسلمین را دارد، یا باید از واژه‌ی امت استفاده کند و یا از واژه‌ی مسلمانان. در متن عربی، از کلمه‌ی «شعب» که به معنای مردم است استفاده شده است. (مترجم)

^۲ - مجله‌ی شماره ۸۵، سال هشتم، جون ۲۰۱۳

^۳ مجله‌ی شماره ۸۸، سال ۲۰۱۳



امیرخان متقی ناظر مجله‌ی الصمود به همراه ملابرادر معاون سیاسی رهبر گروه طالبان

مجله‌ی الصمود رسانه‌ی مقاومت

البلوچی مجله‌ی الصمود را با نام رسانه‌ی مقاومت استوار کرد. هدف او این بود: «تقویت و افزایش روحیه‌ی مقاومت و میان مسلمانان و تحریک آنها [برای مقاومت]» (مفهوم رسانه‌ی مقاومت، ادبیات انقلاب اسلامی ایران است که به حزب الله لبنان، حماس و انصار الله حوثی اطلاق می‌شود)

با این وجود مقاومت خلاصه می‌گردد به: «مقاومت جهادی تا زمانی که نیروهای اشغالگر در سرزمین‌های اسلامی اشغالی وجود نداشته باشد، زمانی که اخبار مجاهدین را در سرزمین ما و تمام جهان به زبان‌های عربی، انگلیسی و دیگر زبان‌ها نشر می‌کنیم، پس در واقع ما در جهاد رسانه‌ای سهم گرفتیم و نمونه‌ای زنده از جهاد در روی زمین خواهیم گشت. زمانی که ما بفهمیم کسانی هستند که در وجود و عملکرد مقاومت جهادی شک و تردید دارند، استدلال کرده و پاسخ می‌دهیم، در حقیقت به مجاهدین در روی زمین کمک می‌کنیم [تا شک و تردید آنها برطرف شود]. همچنین، و زمانی که مقاومت مسالمت‌آمیز (روند سیاسی) را در سایه‌ی اشغال رد می‌کنیم و آن زمان است که ما بهترین شرایط سیاسی و رسانه‌ای را برای تداوم مقاومت جهادی و حمایت از آن تا به تحقق رسیدن اهداف جهاد ادامه خواهیم داد.»

او همچنین در مقاله‌ی خود تاکید می‌کند که: «هیچ راهی برای برپایی نظام یکپارچه‌ی اسلامی جهانی وجود ندارد به جز جهاد با استدلال و سرنیزه تا حد توان! چرا که جهاد در راه خدا، راه را برای جهاد رسانه‌ای اسلامی آماده می‌کند و این رسانه‌ها نمی‌توانند در جامعه‌ای به جز جامعه‌ی مسلمان و جامعه‌ای که قوانین شریعت بر آن استوار باشد، فعالیت داشته باشند.»

در مقاله‌ای دیگر از او با نام «جهاد درها را برای کسانی که دق الباب می‌کنند باز می‌کند» تاکید می‌کند که «جهاد برای همگان در دسترس است و راه برای همه‌ی کسانی که خواهان جهاد هستند، باز است، به شرط آن که بهانه‌های واهی و برداشت‌های بی‌محتوا را پشت سر گذاشته و جهاد در راه خداوند را آغاز کند.»

وی راه‌های همکاری با طالبان بیان کرده است و گفته است: «می‌توان با مجاهدین از طریق شبکه‌های اینترنتی ارتباط برقرار کرده و به نیازهای شان پی برد، اگر مجاهدین نیاز به حمایت مالی دارند، به آنها پول داده شود، اگر عرصه‌ی مشخص نیاز به تکنیشن و متخصص دارند، متخصص برای شان آماده شود یا معلومات مورد ضرورت برای مجاهدین آماده شود... این همه به خاطر این است تا افرادی که در صفوف مجاهدین قرار ندارند از نفاق و ریا دور نگهداشته شوند»

طالبان؛ طمع‌های بین‌المللی و یا جنبشی ملی؟

بعد از استقرار رهبران طالبان و القاعده در ایران و پاکستان و یا در کرانه‌ی [خط فرضی دیورند] و فراهم شدن مراکز فرماندهی‌شان دور از حملات ائتلاف بین‌المللی، مجله‌ی عربی مربوط به طالبان با نام الصمود در سال ۲۰۰۶ همزمان با افتتاح مجله‌ی شبکه‌ی القاعده به نام «پیش‌قراولان خراسان» آغاز به کار کرد.

در مقابل، رهبر شبکه‌ی القاعده اسامه بن لادن در سال ۲۰۰۶ نوار صوتی را بعد از غیبت یکساله‌اش در رسانه‌ها منتشر کرد. او در این نوار صوتی تأکید کرد که او، ایمن الظواهری و ملا عمر جنگ مسلمانان علیه غرب را در مناطق مختلف به مانند چین، سومالی، فلسطین و افغانستان و عراق رهبری می‌کنند.

این نوار صوتی در حقیقت آغاز مرحله‌ی جدید از ارتباط در هم‌تنیده‌ی شبکه‌ی القاعده و طالبان بود. ذوب شده در یک گفتمان فکری واحد و اهداف و سیاست‌های یکسان که با نام «اتحاد اسلامی جهانی» خلاصه شده بود. داعیه‌ای که ملا عمر رهبر گروه طالبان از همان ابتدای آغاز به کار کردن این مجله تا زمان هلاکتش آن را در سر می‌پروراند. این داعیه در حقیقت، نفیر عمومی برای جهاد در افغانستان و درگیری با ارتش‌های صلیبی در هر کجای دنیا بود.

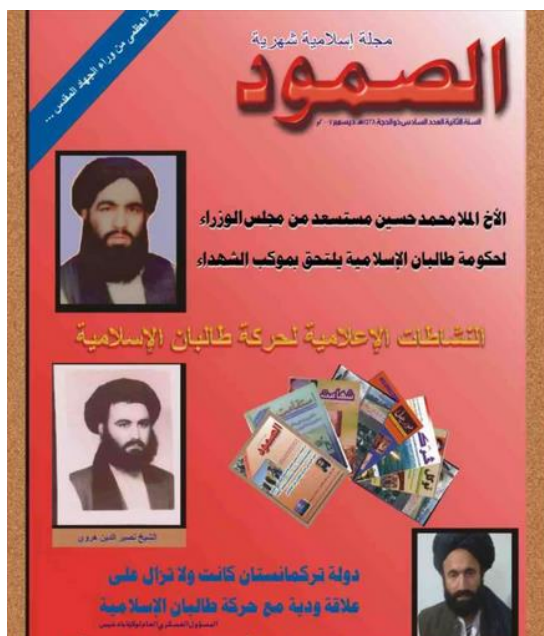
ملا عمر در سال ۲۰۱۰ می‌گوید: «رنجی که امروزه مردم افغانستان، عراق و فلسطین با آن مواجه هستند، آیا این رنج فقط مختص به همین کشورهاست؟ ای برادران مسلمان! ای کسانی که در دین، عقیده، ارزش‌ها، فرهنگ و منافع با همدیگر اشتراک داریم، بیاید در دردها، آرزوها، شادمانی‌ها، نگرانی‌ها، وفاداری‌ها و خصومت‌ها اشتراک داشته باشیم. پس بیاید و در کاستن دردهای برادران مسلمان‌تان با مال و جان خود، همکاری کنید.»

همانطوری که ملا برادر عبدالرحمن، معاون امارت اسلامی معتقد است که جهاد در افغانستان تنها مسئولیت طالبان نیست بلکه فریضه‌ای واجب برای تمامی مسلمانان روی زمین است. در گفتگویی که او در شماره‌ی هشتم مجله به تاریخ ۲۰۰۷ انجام داده بود، گفته بود: «امارت اسلامی افغانستان خندقی برای کل مجاهدین است. اینجا مسئله‌ی ملیت مطرح نیست. حفاظت از این خندق، وظیفه‌ی تمامی مسلمین است، در عین زمان جایگاهی ایمن برای تمامی مسلمین نیز می‌باشد.»

از سوی دیگر، این مجله‌ی عربی طالبان انگیزه‌ای برای جنگجویان عرب در هجرت به افغانستان گردیده تا ابزار مهمی در ترویج به همکاری شبکه‌ی القاعده گردد. این مجله یکی از ابزارهای مهم در ترویج پدیده‌ای به نام «جهاد جهانی» و یا پروژه‌ی بین‌المللی طالبان به همکاری شبکه‌ی القاعده بوده است. همانطور که ابو عبدالرحمن سلطان خیر (اسم مستعار) در مقاله‌ی شماره ۷۷ سپتامبر ۲۰۱۲ این پدیده را «جهانی سازی اسلامی در مقابل جهانی‌سازی بین‌المللی» عنوان کرده بود.

نتیجه‌ی این اتحاد چیزی نبود جز اینکه گروه طالبان خود را از یک گروه ملی-وطنی به گروه جهادی-جهانی تبدیل کرد. به این ترتیب امارت اسلامی چتر جامعی برای تمامی احزاب و فرقه‌های اسلام سیاسی رادیکال و بازوهای مسلح‌شان تبدیل شد. به همین منظور بود که مسئله‌ی فلسطین به یکی از اولویت‌های گروه طالبان تبدیل شده بود. از منظر گروه طالبان، آزادی قدس تنها از طریق افغانستان ممکن است. در مجله‌ی شماره‌ی ۱۴۲ منتشر شده در ماه جنوری سال ۲۰۱۸، سرمقاله‌ای با عنوان «از افغانستان تا قدس» منتشر شد. مقاله‌ای دیگر در شماره‌ی ۴۷ ماه می ۲۰۱۰ از اکرام الدین میوندی منتشر شده است. در این مقاله میوندی اشاره می‌کند که «جهاد در راه آزاد سازی مسجد الاقصی مبارک یک فریضه‌ی دینی برای همه‌ی ما می‌باشد... هیچ راه نجاتی برای کشتی اسلام جز جهاد مقدس وجود ندارد و هر قومی که جهاد را ترک کرد، خداوند آن‌ها را دلیل کرد. هیچ شکی نیست که ندای علما مبنی بر آزادسازی قدس و مسجد الاقصی و دیگر بلاد اسلام در قلوب تمامی مومنان تاثیر داشته است. به جز حکام مسلمانی که به مادیات و امور دنیوی اهتمام می‌ورزند و به زندگی دنیوی راضی شده‌اند. و همچنین به تنظیم جلسات و صدور بیانیه‌ها اکتفا می‌کنند و هیچ امیدي از جانب مسلمانان برای ما باقی نماند مگر اینکه از طرف خداوند یاری شده باشند.»

طالبان در ادامه‌ی گفتمان خود فقط «مردم عرب و مسلمان» را مورد خطاب قرار می‌دهد و میان این «مردم» با سازمان‌ها و حکومت‌ها و یا حتی رژیم‌های عربی و اسلامی انفکاک به عمل می‌آورد.



جلد مجله‌ی الصمود؛ در تیتیر پایین اشاره شده است که ارتباطات میان دولت ترکمنستان با طالبان کماکان ادامه دارد.

چه چیزی قندهاریسم و چه گواریسم را با همدیگر جمع می‌کند؟

امروز و بعد از گذشت بیشتر از ۱۵ سال از انتشار مجله‌ی الصمود، علی‌رغم اینکه دفتر سیاسی طالبان، گفتمان خود را یک گفتمان عملی سیاسی نشان می‌دهند، اما هنوز هم همان گفتمان و گفتار گذشته‌ی خود را حفظ کرده‌اند. این گفتمان از حمایت و تایید هر گروه بنیادگرایی رادیکالی که با اسلحه‌ی در دست داشته‌ی خود جهاد مقدس را در هر مکانی و با هر ملیتی به پیش برد، دریغ نمی‌کند. درست همانگونه که «امارت اسلامی» میزبان جنگجویانی بود که بدون پاسپورت و بی‌هویت بودند.

و اینجا لازم است که سوالی را مطرح کنیم: «چرا پدیده‌ی الزی القندهاری بر گروه‌های بنیادگرایی مسلح در سرتاسر جهان بدون در نظر داشت ملیت، زبان و قومیت‌شان غالب شد.»

از این منظر توافق ضمنی میان همه‌ی گروه‌های بنیادگرایی رادیکال وجود داشته است. این مسئله تصویری از برنامه‌ی جهانی که امارت اسلامی برای آن تلاش می‌کند را بیان می‌دارد. این تصویر همان همکاری گروه‌های رادیکال مسلح را نشان می‌دهد. در خط مقدم این همکاری شبکه‌ی القاعده است که در بیشتر ولایت‌ها به شمول یمن، سومالی، مالی، الجزایر، سوریه، برمه و کشمیر حضور فعال دارد.

قندهار برای گروه‌های بنیادگرایی اسلامی به خصوص عرب‌ها، به منزله‌ی مرکز فرماندهی انقلابی جهانی تلقی می‌شود. همانطور که خلیج هاوانا [در کوبا] به عنوان مرکز فرماندهی انقلابی و ایستگاهی برای نیروهای چپ مارکسیست از سرتاسر دنیا یعنی از آفریقا و آسیا و آمریکا تلقی می‌شد.

همگرایی قندهاریسم و چه‌گواریسم، یک عنصر مشترک و واحد دارد که همان مبارزه‌ی چریکی و انقلاب از پایین با رویکردهای انترناسیونالیستی می‌باشد. اما در مورد امارات اسلامی طالبان، این عنصر فقط حول محور عربیت و اسلامیت می‌چرخد که البته مصرف محلی دارد و نه بین‌المللی. همچنین افغان‌ها خود را اساس و پایه‌ی تغییر و همچنین شکل‌دهی به خلافت تلقی می‌کنند.

این رویکرد در مقاله‌ای از محمد ترابان، پژوهشگر مسائل شریعت و سیاست با عنوان «چرا طالبان به عنوان تنها آدرس وحدت اسلامی باقی خواهد ماند» منتشر شده در شماره‌ی ۱۴۲، جنوری سال ۲۰۱۸ توضیح داده شده است. او معتقد است: «گروه طالبان جنگی شدید علیه آمریکا

و متحدانش را به پیش می‌برد. گروهی که در افغانستان جنگیدند تا بر شعله‌ی جهاد که در افغانستان ریشه داشت و در سرتاسر امت اسلامی پراکنده بود را از بین ببرند، و زمانیکه یقین پیدا کردند که افغانستان گهواره‌ی جهاد در راه خدا است و نیروی آن به رهبری طالبان بیشتر و بیشتر می‌شود، چنانکه افغانستان زمانی مرکز و محل تلاقی مجاهدین در جهان و پناه‌گاهی امن برای نشست‌های خصوصی و عمومی بود که در آن نگرانی‌های مسلمان‌ها به بررسی گرفته می‌شد و در مورد گسترش جهاد و دفاع از اسلام و مسلمین سخن می‌رفت که در واقع افغانستان مانند دار ارقم بن ابی ارقم در صدر اسلام بود.»

اما شهاب الدین غزنوی در مقاله‌ی منتشر شده در شماره‌ی ۳۳ مارچ ۲۰۰۹ با عنوان: «گروه طالبان، نظریه‌ی اسلامی با ریشه‌های عمیق» بر این تأکید دارد که گروه طالبان مرزهای داخلی فراتر رفته و به مرزهای خارجی رسیده است: «بسیاری تصور می‌کردند که گروه طالبان یک گروه محلی است و با تغییر شرایط و وضعیت شکست خواهد خورد و از مقام بلندی که به آن رسیده بود، سقوط خواهد کرد. اما در دهمین سالگرد تاسیس این گروه، مثل آفتاب روز چهارم طلوع کرد. پس این نشان می‌دهد که این گروه تنها یک گروه محلی نیست بلکه گروه جهانی است که و برنامه‌های جهادی‌شان به نقشی که در جهان اسلام دارند ارتباط دارد. نتایج فعالیت‌های این گروه تا ماورالنهر و کوه‌های صعب العبور قفقاز و جزیره‌العرب می‌رسد. این گروه مسئولیت رهبری مسلمین را بر عهده دارد و برنامه‌های جهادی به طور کامل مربوط به این گروه می‌باشد... این تفکر و ایده‌ی مقدس در گوشه‌ای از ذهن [مسلمانان] وجود دارد و در عین زمان این تفکر و ایده‌ی مقدس گروه‌های اسلامی را به سمت تکامل رهنمون می‌سازد. این انگیزه‌ی اصلی همان عمق نظریه‌ای است که در آن شنیدن صدای ملت مظلوم و ملت‌های مستضعف برجسته می‌شود. آرزوهای مردم با گروه طالبان در ارتباط است و به همین جهت این گروه تنها ابزار برگرداندن عزت، ثبات و امنیت در کشورهای شان اند.»

و در مورد تحقق چشم انداز یا جاه‌طلبی‌های جهانی گروه‌های رادیکال افغان، فلسفه‌ی «جهاد و آمادگی برای آن» به عنوان یکی از نیروهای محرکه برای تفکر طالبان تأکید شده است. چنانچه که در مقاله‌ای به نام عبدالوهاب کابلی در شماره‌ی ۴۹ منتشر شده در جولای ۲۰۱۰ در مورد موضع‌گیری سلبی گروه‌های اسلامی می‌نویسد: «بسیاری از گروه‌های اسلامی وجود دارند که ادعا می‌کنند که عمل اسلامی انجام می‌دهند اما در عمل، آنها موضع‌گیری سلبی در مورد جهاد و جنگجویی اتخاذ می‌کنند، تا جایی که این گروه‌ها اسلام را به انجام برخی از مناسک و دعاها خلاصه می‌کنند... که این خود به علت بی‌اخلاصی در مقابل دین خداوند یا کج فهمی از اسلام است... یا به دلیل عدم وفاداری این گروه‌ها به دین خدا یا به دلیل درک تحریف شده از اسلام. نوع دیگری از گروه‌های اسلامی وجود دارند که شعار جهاد در راه خدا را به مانند ذکر بلغور می‌کنند ولی فقط این ذکر را در حد شعار باقی گذاشته‌اند و هیچ اهمیتی برای تقدیم قربانی و قیام به سوی میدان‌های جنگ نمی‌ورزند. و اگر دولت‌های مستقر به مقابله با جهاد برخیزند و یا اینکه علیه اهل جهاد بجنگند، آنها به سرعت از بلغور کردن مفاهیم جهادی خودداری می‌کنند و با دولت‌های دموکرات و سکولار تجدید بیعت خواهند کرد.» او در مورد تصویر طالبان از جهاد می‌گوید: «جهاد از منظر طالبان یک مبارزه سیاسی و یا عملیات نظامی در جهت تحقق یافتن اهداف قومی یا منافع ملی و اهداف دنیوی نیست. همانطور که جهاد جنگ برای آزادسازی وطن از اشغال بیگانگان تلقی نمی‌شود، که آنها [بیگانگان و طاغوت‌های داخلی] بدون در نظر داشت احکام و شریعت الهی سیاست‌ورزی می‌کنند. این فقط یک مبارزه‌ی بدون هدف نیست... جهاد مسلحانه در این زمان فقط فرض و واجب نیست، بلکه این نوع مبارزه ضرورتی طبیعی، فطری برای تمامی مظلومان دنیا است تا شر را از خودشان دفع کنند. پس بنابراین بازگشت به جهاد علیه کفار محارب و هم‌پیمانان‌شان در کشورهای اسلامی، فقط فریضه نیست، بلکه تنها راه درمان برای رفع ظلم واقعی است که بر سر مسلمین آوار شده است.»

برای طالبان جهانی بودن مدنظرشان و یا بلندپروازی‌های بین‌المللی امارت اسلامی، بر همه‌ی گروه‌های و احزاب انقلابی عربی و اسلامی به جز ولایت تحمیلی طالبان محقق نمی‌شود. بدین معنا که است امارت اسلامی تنها مختصر به افغانستان نمی‌باشد.

طالبان با این رویکرد می‌تواند که:

- تسلیم بودن گروه‌ها و احزاب بنیادگرا در مقابل اوامر امارت اسلامی در داخل افغانستان و همچنین دستورگیری برای جنگ‌های داخل افغانستان را تضمین کند.

- به خود اجازه دهد که خود را به عنوان پدر معنوی جهاد مقدس جهانی بنامد. پس همه‌ی عناصر این گروه‌ها در هند و چین و سوریه و عراق و سومالی، خود را سربازان امارت اسلامی بنامند.

این سیاست طالبان در نامه‌ی معاون امارت اسلامی و مشاور ارشد شورای رهبری طالبان ملاختر منصور تحت عنوان «شیخ ابوبکر البغدادی و برادران مجاهدش» که در شماره‌ی ۱۱۱ مجله‌ی الصمود در جولای ۲۰۱۵ منتشر شده است، همزمان با تاسیس سازمان دولت اسلامی [ولایت خراسان] در افغانستان توضیح داده شده است.

منصور به البغدادی پیشنهاد داد برای جلوگیری از آنچه که او فتنه توصیف می‌کند، اجازه‌ی جهاد در صفوف امارت اسلامی بدهد و اینطور تلقی کرد که «هر گروه و یا حزب دیگری که در مقابل گروه‌شان قرار گیرد، عملاً مخالف منافع و مصالح اسلام، جهاد و مجاهدین می‌باشد.»



توثیق حساب کاربری «مسائل افغانستان»: مولوی امیرخان متقی رئیس دفتر امارت اسلامی طالبان و عضو فریق التفاوض قبیل التوجه لمقر انعقاد مراسم توقيع اتفاقية إنهاء الاحتلال

در مورد تاکید بر حقانیت امارت اسلامی ملاختر منصور به البغدادی در مورد بیعت‌های مشروعی که به دست آورده بود، تاکید می‌کند که: «رهبری امارت اسلامی توسط انتخاب شرعی و بیعت (۱۵۰۰) تن از علما انتخاب گردیده است. این علما اعضای شورای اهل حل و عقد بودند که برخی از علما و فقهای جهان اسلام و رهبران جهادی مانند شیخ حمود بن عقلاط و الشعیبی و شیخ اسامه بن لادن با امارت اسلامی بیعت کردند... امارت اسلامی بر اساس اخوت اسلامی بنا نهاده شده است و چیزی جز خوبی برای شما نمی‌خواهد و علاقه‌ای به دخالت در امور شما را ندارد. همچنین توقع می‌رود که در مقابل این عمل ما، شما هم همین عمل را انجام دهید.»

و اضافه می‌کند: «قهرمانان جهاد معاصر به مانند امام مجاهدین شیخ عبدالله عزام، فرماندهی مجاهدین شیخ اسامه بن لادن و کوبنده‌ی مسیحیان ابومصعب الزرقاوی و شکست دهنده‌ی کافران، به طور کل افتخار شاگردی در مکتب جهاد افغانستان را داشته‌اند.»

بهار عربی از منظر طالبان افغانستان

همزمان با کوشش‌های رهبر القاعده برای حوادثی که بهار عربی خوانده می‌شود و ضرورت سازماندهی سازمان‌های به وجود آمده، مجله‌ی الصمود شروع به نگارش مقالات و کتاب‌هایی برای حمایت از «انقلاب» در آن کشورها کرد. همچنین تاکید بر اعزام جنگجویان القاعده و گروه‌های مسلح دیگر برای حمایت از «فعالان انقلاب اسلامی» کرد.

محمد یاسین حسنی (اسم سازمانی)، در شماره‌ی ۸۸ مجله‌ی الصمود منتشر شده در سپتامبر ۲۰۱۳ مقاله‌ای با عنوان «جنايات هواداران دموکراسی در مصر» به گروه‌های اسلامی مصری دستور داد تا برای پاسخ دادن به سرنگونی حکومت اخوانی‌ها به احیا جهاد در مصر بپردازند. او می‌گوید: «در افغانستان ما اسوه‌ای داشتیم که مردم افغانستان را برای جهاد به تمام معنا آماده کردند. جهاد همان راهی است که شعارهای پوچ و توخالی را از بین می‌برد. چیزی که در مصر جریان دارد، بزرگترین حمله علیه اسلام است و و این حمله، آخرین راهکار جاهلیت برای فائق آمدن بر مسلمانان است. و مصر به جز از جهاد در راه خداوند، راه دیگری برای برون رفت از این تنگنا را ندارد»

در مورد لیبیا سیف الله هروی در شماره‌ی ۶۷ مجله‌ی الصمود منتشر شده در دسامبر ۲۰۱۱ مقاله‌ای با عنوان «لیبیا از عمر مختار تا انقلاب ۱۷ فیبروری سال ۲۰۱۱» و در مورد فلسطین مقاله‌ای دیگر با نام «انتفاضه‌ی چاقوها و ضرورت جهاد برای آزادی قدس» در شماره‌ی ۱۱۶ منتشر شده نوامبر سال ۲۰۱۵ نگاشته است. در مقاله‌ای دیگر هروی در مورد انقلاب ترکیه تحت عنوان «توطئه‌ای که فریادهای الله اکبر آن را خنثی کرد» در شماره‌ی ۱۵۶ سال ۲۰۱۶ در مورد ناکامی کودتا علیه رئیس جمهور ترکیه رجب طیب اردوغان نوشته بود و آن را پیروزی سپاه خداوند تلقی کرده بود.

همچنین در مورد تحولات سومالی و تایید کردن حرکت الشباب وابسته به القاعده مقاله‌ای با عنوان «سومالی، هدف بعدی طاغوت جهانی؛ امریکا» نگاشته است. مقاله‌ای دیگر در مورد تایید کردن عملیات‌های سازمان دولت اسلامی در فرانسه به عنوان «عجب زمانه‌ای داریم»

توسط عبدالله منیب (اسم سازمانی) در شماره‌ی ۱۱۷ دسمبر ۲۰۱۵ نگاشته شده است که: «این جوانانی که در قلب اروپا و خانه‌ی خودشان عملیات را اجرائی کردند، مجاهدین سلحشور و شیر شیران اسلام بودند و موجب ناامیدی آنها شد.»

در آخر و با توجه به ۲۰۰ شماره‌ی مجله‌ی الصمود که توسط طالبان منتشر شده است، یک سوال مطرح می‌شود: «آیا واقعاً طالبان قادر به ایجاد ارتباطات سازنده با دولت‌های همسایه و دولت‌های جهان است و از کجا معلوم افغانستان را به دیگر گروه‌های تروریستی برای جنگ علیه دیگر کشورها تحویل نخواهد داد؟»



در مورد نویسنده

حسین احسانی پژوهشگر پیشین انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان و پژوهشگر همکار دانشکده‌ی علوم سیاسی دانشگاه بغداد است. وی فارغ‌التحصیل رشته‌ی مطالعات خاورمیانه از دانشگاه تهران می‌باشد. حوزه‌ی تمرکز وی، امنیت منطقه‌ای، بنیادگرایی و منازعات قومی می‌باشد. از جمله کارهای وی عبارتند از: دولت اسلامی و ولایت خراسان اشاره کرد. وی به تازگی کتاب دیگری به نام مدیریت توحش را ترجمه کرده‌اند.

مهرنامه

Mehr Brief

سلسله نوشته‌های مهرنامه با هدف جمع‌آوری و نشر مقالات و رساله‌های علمی از نویسندگان صاحب نام داخلی و بین‌المللی در پیوند با روند مذاکرات صلح منتشر می‌شود. سلسله نشریات مهرنامه دربرگیرنده نظرات، انتقادات و دیدگاه‌های علمی نویسندگان پیرامون موضوعات مرتبط با منازعه افغانستان، روند مذاکرات صلح و نیز توافق صلح توسط دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دولت ایالات متحده و سایر شرکا، می‌باشد.

اصل و ریشه واژه مهر هندو - ایرانی است. مهر از ریشه «میثر» گرفته شده که از کهن‌ترین خدایان ایران باستان است. مهر یا میترا در زبان فارسی به معنای «فروغ، روشنایی، دوستی، پیوستگی، پیوند و محبت» است و ضد دروغ، دروغ‌گویی، پیمان شکنی و نامهربانی. مهر واژه‌ای است که پیوند به خدا دارد و بهترین هدیه الهی است. مهر، دریچه‌ای بسوی افق‌های روشن و فردای بهتر است. در فرهنگ‌های فارسی مهر را فرشته مهربانی، دوستی و خرد معنا کرده‌اند که نیکویی، مهرورزی و آرامش بیار می‌آورد.

شماره‌های قبلی مهرنامه

مهرنامه
Mehr Brief

شماره ۰۱ - جولای ۱۳۹۸

در این شماره

خلاصه

- استواری حکومت ترامپ بر سرور
- افغانستان: امتدادات امنیتی
- ارزان‌ترین و بالاترین
- مطالب به نظر می‌آید
- سیاستی شکست خورده است
- نظرات و تحلیل‌ها
- استراتژی و کنترل دولت پاکستان
- کارزار هر گونه بدخواه صلح
- تاکتیک را کاهش می‌دهد
- بین افغانان و آمریکا
- فرماندهای رانده مستقیم وجود دارد
- روایت برنده افغانستان
- برای راه‌های
- سیاستی در افغانستان

دکتر مایکل رابین
استاد تدریس امریکایی

تماس با ما

#AISS_Af @AISSAfghanistan www.aiss.af contact@aiiss.af

مهرنامه
Mehr Brief

Volume: 02 August 2019

In This Volume

Leaving? take all of your belongings with you

By Dr Rangin Dastgir Spanta

خلاصه

The United States has provided Pakistan's army and intelligence services & considers an ally - mission and conspiracy theory machines with billions of dollars of aid. Terrorism's backbone, far from being repudiated, received funding instead.

The US's leniency towards Pakistan has failed, and it is now being forced to withdraw.

The United States, Russia, Iran, Indonesia, Uzbekistan, and some other countries have, however, turned the Taliban into an honorable negotiating party in diplomatic stages.

The US and the Taliban are on the verge of signing an agreement.

Preserving the war in Afghanistan by relying on American Private Security War companies, armed U.S. intelligence and military presence, will not bring peace.

تماس با ما

#AISS_Af @AISSAfghanistan www.aiss.af contact@aiiss.af

مهرنامه
Mehr Brief

شماره ۰۲ - جولای ۱۳۹۸

در این شماره

نظم منطقه‌ای قلب آسیا

مجلس جنسی همکاری منطقه‌ای قلب آسیا

تماس با ما

#AISS_Af @AISSAfghanistan www.aiss.af contact@aiiss.af

مهرنامه
Mehr Brief

شماره ۰۲ - جولای ۱۳۹۸

در این شماره

جهدگران سایبری

هوا و نیروی افراط گرایی و فناوری دیجیتال در افغانستان

تاجیک فریب

دانشجوی صلح و تکرار رشته سیاست بین‌الملل و صلح

تماس با ما

#AISS_Af @AISSAfghanistan www.aiss.af contact@aiiss.af

تماس با ما